

مصاحبه



دکتر وحید جعفریان

(مدیر کل دفتر امور بیابان، سازمان
منابع طبیعی و آبخیزداری ایران)

مصاحبه کننده:

محمدصادق رهبانی، علی محمودی ازناوه

تهیه و تنظیم:

محمد مهدی پور حنیفه، محمدصادق رهبانی

کشور ایران به لحاظ واقع شدن بر روی کمربند خشک جهان کمتر از یک چهارم میزان بارش جهانی را دریافت می کند. بدین لحاظ اکوسیستم های خشک و فراخشک گستره وسیعی داشته بنحوی که قریب به ۸۸ درصد مساحت کشور در این مناطق قرار گرفته است. بر اساس آخرین مطالعات صورت گرفته در کشور در سال ۹۸ مشخص گردید ۷/۲۹ میلیون هکتار مستقیماً تحت تاثیر فرسایش بادی در کشور بوده که از این سطح ۹/۱۳ میلیون هکتار به منابع زیستی و اقتصادی کشور خسارت وارد می نماید. خسارت وارده به اراضی کشاورزی، اماکن مسکونی شهر ها و روستایی، صنایع و تأسیسات زیربنایی، راه های مواصلاتی و ... بالغ بر ۳۰۰۰ میلیارد تومان در سال می باشد. در راستای اجرای فعالیت های مقابله با بیابان زایی بسیاری از کانون های فعال فرسایش بادی کنترل شده و با حفظ تأسیسات اقتصادی، مناطق مسکونی، خطوط ارتباطی و مواصلاتی، زمینه ساز تداوم و توسعه فعالیت های انسانی شده اند. هدف اصلی از فعالیت های بیابان زدایی نظیر نهال کاری، احداث بادشکن، بذرپاشی و غیره، در اولویت نخست، تقویت پوشش گیاهی منطقه به عنوان عامل اصلی ممانعت از فرسایش بادی، حفاظت خاک و جلوگیری از صدمات ناشی از حرکت ماسه های روان می باشد. ایجاد تعادل اکولوژیکی در محیط تبدیل اراضی بیابانی به عرصه ای باقابلیت توسعه پایدار اقتصادی اجتماعی منطقه از جمله اهداف ثانویه محسوب می گردد.

خودتان را معرفی بفرومائید.

بنده وحید جعفریان هستم، مدیرکل دفتر امور بیابان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری ایران، آخرین مقطع تحصیلی بنده دکترای بیابان‌زدایی است و به دلایل مختلف هر مقطع تحصیلی را به فاصله ۱۰ سال خواندم.

هر مقطع به فاصله ۱۰ سال به اتمام رساندید؟

بله؛ در واقع در دهه ۷۰ مقطع کارشناسی را به اتمام رساندم، دهه ۸۰ مقطع کارشناسی‌ارشد و در سال ۱۳۹۵ هم موفق به کسب درجه دکترا شدم و عملاً هر ۱۰ سال یکبار مقاطع تحصیلی را سپری کردم. دلیل اصلی این فاصله زمانی هم این بود که بنده مدتی در سرکار بودم و سپس به تحصیل می‌پرداختم.

البته که این روند برای بنده اثرات بسیار مطلوبی نیز داشت، مثل اینکه باعث شد با ترکیب تجربه‌ای که از عرصه به دست می‌آورم با دانش آکادمیک و دانشگاهی، در حوزه رساله دانشجویی، پایان‌نامه و موضوعات مرتبط، مطالب مورد نیاز و کاربردی را دریافت کرده و روی آن‌ها کار کنم.

به نظر شما برای بهتر شدن رساله‌ها و پروژه‌های دانشجویی چه کارهایی لازم است؟

به عقیده بنده اگر سازوکاری فراهم شود که تحقیقات دانشجویی جنبه کاربردی پیدا کنند و مورد نیاز بخش اجرا باشند، بسیار کارآمدتر خواهند بود. بعلاوه باید این تحقیقات مورد ارزیابی قرارگیرند که به چه میزان مورد نیاز بخش اجرا هستند و با شرایط موجود تطبیق دارند.

همچنین توجه به این نکته هم مهم است که چه اندازه تحقیقات انجام شده امکان تبدیل به ثروت را دارا هستند. به عبارت دیگر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی بایستی با این نگاه تبیین شوند که در قالب کارهای اجرایی، خلاء قیمت‌گذاری علم را پوشش دهند.

آیا این قیمت‌گذاری علم در عرصه بین‌المللی صورت گرفته است؟

بله. کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی که از مهم‌ترین مراجع بین‌المللی در حوزه اشتراک‌گذاری دانش است، بخشی را تحت عنوان Knowledge Market تاسیس کرده است. در این بخش، دانش به بازار عرضه شده و پس از قیمت‌گذاری، خرید و فروش می‌شود.

البته این عرضه و تجارت با توجه به بحث مالکیت معنوی دانش صورت می‌گیرد و حتماً باید بخش‌های مختلف اجرایی نیز در این بخش ورود کنند و برای دانش دانشجویان ارزش و اهمیت قائل شوند.

به نظر شما معضل اصلی موجود برای دانشجویان در قسمت اجرایی چیست؟

یکی از مشکلات اصلی این است که متأسفانه ارتباط دستگاه‌های اجرایی با دانشجویان بسیار کم است. و این سطح کم ارتباط سبب می‌شود که دانشجویان نیازسنجی دقیقی از مشکلات دستگاه‌های اجرایی نداشته باشند. البته این مشکل در دستگاه اجرا هم وجود دارد، به این شکل که اگر پایان‌نامه‌ای در جهت تغییر در دستگاه اجرایی آماده شود، مورد مقاومت و عدم توجه دستگاه مربوطه قرار می‌گیرد و به فراموشی سپرده می‌شود.

یکی از مهمترین معضلات سیستم‌های سنتی نیز متأسفانه همین موضوع است که از دانش خوبی که تولید می‌شود به نحو احسن استقبال نشده و مورد توجه دستگاه اجرا قرار نمی‌گیرد و این مقاومت در برابر تغییر روش و استفاده از دانش روز همیشه وجود دارد.

این ارتباط بین دانشجو و دستگاه‌های اجرایی در دیگر کشورها چگونه است؟

در بازدیدهایی که از کشورهای مختلف داشتیم، متوجه شدیم که استقبال و ارتباط دانشجویان با دستگاه اجرایی خصوصا در حوزه منابع طبیعی و محیط‌زیست بسیار بالاست. به نحوی که در راهروهای وزارت جنگلداری کشوری که مورد بازدید قرار گرفت دانشجویان حضور فعال داشتند ولی متأسفانه در سیستم دستگاه‌های اجرایی ایران در بخش ارتباط با دانشجویان بسیار کم کاری شده و ضعف بسیار وجود دارد.

از دیدگاه شما راهکار مناسب برای رفع این معضل چیست؟

اصول و ضوابط بخش‌های مختلف دستگاه‌های اجرایی در ارتباط با دانشجویان مثل بحث کارورزی را بایستی تغییر دهیم، هم‌چنین دستگاه‌های اجرایی در حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی باید منابع مالی مشخصی داشته باشند. اگر سیستم خواستار تحول، پویایی و حرکت جدی است، طبعا نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت عظیم دانشجویی و اعضای هیات علمی دانشگاهی کشور است.

شرایط کشور از لحاظ مقابله بیابان‌زایی و استفاده از پتانسیل‌های بیابان‌ها چگونه است؟

سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور هر ساله رسالتی را برای خودش تعریف می‌کند که یکی از موضوعاتی که مورد تاکید است، در حوزه فعالیت‌های مقابله با بیابان‌زایی است. در واقع باید از ظرفیت و پتانسیل بیابان‌ها بهره مناسب ببریم و به نوعی موضوع بیابان‌زایی را که می‌تواند باعث تهدید منابع زیست انسانی شود، مدیریت کرده و مقوله بیابان به یک فرصت کم‌نظیر در راستای اشتغال‌زایی و تولید تبدیل شود.

با توجه به ظرفیت‌های عظیمی که در بیابان‌ها وجود دارد، همچون گیاهان دارویی، رخساره‌ها و مناظر منحصر به فرد زمین‌شناسی همگی فرصت‌هایی هستند که متأسفانه به آن‌ها توجهی نشده و بسیار دچار سوء مدیریت‌های مختلف می‌شوند.

به نظر شما راهکار مناسب برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها چیست؟

برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها نیازمند حضور استارت‌آپ‌ها و توجه شرکت‌های دانش‌بنیان هستیم. اگر این ارتباط به نحو احسن صورت نگیرد در کنار این نکته که زنجیره‌های تولید از هم گسسته است، متأسفانه امکان دارد که روی به خام‌فروشی بیاوریم آمد.

برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در دفتر امور بیابان چه طرح‌هایی اجرا شده است؟

در واقع استفاده از ظرفیت و پتانسیل بیابان، شالوده مهم‌ترین مباحث مدیریت امور بیابان است. به عبارت دیگر به جای اینکه عرصه‌ای را در اختیار بگیریم، قرق کنیم مانع حضور انسان شویم، می‌توانیم برای تمام طرح‌های بیابانی، مجری انتخاب کرده، با اولویت حفاظت از منافع جوامع محلی.

از سال ۱۴۰۰ تمام طرح‌های تصویب شده در دفتر امور بیابان، با توجه به الگوی مشارکتی تدوین شده‌اند و به جای صاحب طرح از واژه شریک طرح استفاده می‌شود. در حقیقت وقتی بحث از مشارکت می‌کنیم، دیگر قاعده‌بازی عوض شده و روحیه همکاری، همیاری و بهره‌مندی از منافع بین دولت و جوامع محلی افزایش می‌یابد.

تغییر این رویکرد از مدیریت یک سوی دولتی به مدیریت دو سوء دولتی کاری بسیار دشوار و سخت است و متأسفانه مقاومت‌های جدی در این حوزه صورت گرفته است.

در اجرای این طرح‌های مشارکتی چه مشکلاتی وجود داشت؟

متأسفانه خیلی از افراد در بدنه دولت حاضر به اشتراک گذاشتن اقتدار خودشان نیستند ولی باید پذیرفت که پایداری هر طرحی در مشارکتی بودن آن است. باید در مباحث مشارکتی بیشتر آموزش دید و بیشتر ظرفیت‌سازی کرد. جوامع محلی نیز بایستی آموزش ببینند.

همچنین نیازمند ساختارهایی هستیم که از سازوکار مشارکتی حمایت کنند. در حال حاضر نظام بودجه‌ریزی یک سوی دولتی مبتنی بر مناقصه و پیمانکار، از پروژه‌های مشارکتی پشتیبانی نمی‌کند. بعلاوه از ساختارهای مشارکتی مثل تعاونی‌ها و تشکلهای نیز بهره‌درستی گرفته نمی‌شود و جایگاه این بخش‌ها در سبد اقتصادی کشور جایگاه بسیار خردی است.

به نظر شما این اهداف چه زمانی به درستی انجام می‌شوند؟

نظام ارزیابی و پایش با چارچوب مشارکت هنوز فاصله دارد. همه این عوامل نشان می‌دهد که برای یک جهش یا تحول در حوزه مناطق بیابانی، نیازمند اصلاحاتی پایدار در ضوابط و ساختارها هستیم. الحمدلله، در سال ۱۴۰۰ موضوع بیابانزدایی به عنوان یک گام در جهت مانع‌زدایی از تولید مطرح شد و در دستور کار قرار گرفته است.

در کنوانسیون مقابله با بیابان زدایی آیا به این موارد پرداخته شده است؟

بله. کنوانسیون مقابله با بیابان زدایی این موضوع را مورد تاکید قرار داده است که کشورهایی که برای بازسازی اقتصاد خودشان عمل می کنند اگر بخشی از این برنامه را برای احیای سرزمین های تخریب شده اختصاص دهند، می توانند با سرعت بیشتری ایجاد اشتغال کنند و حتی موجب مهاجرت معکوس به شهرها نیز خواهد شد.

همچنین کنوانسیون پیشنهاد می کند که رویکردهای مبتنی بر مدیریت پایدار در دستور کار ویژه کشورها قرار بگیرد. مواردی مثل تولید گیاهان دارویی که سرمایه عظیمی را می تواند تولید کند و این ظرفیت ها پتانسیل تبدیل شدن به یک صنعت پویا را دارند.

تاکنون چه فعالیت هایی برای حفاظت خاک در مناطق بیابانی کشور صورت گرفته است؟

در گستره حدود ۳۰ میلیون هکتار از مناطق تحت تاثیر فرسایش بادی فعالیت های اجرایی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری را به منظور کنترل فرسایش بادی، حفاظت خاک، جلوگیری از طوفان های گرد و غبار و حرکت ماسه های روان به انجام رساندیم که این موارد فقط در کشور عددی قریب به سه هزار میلیارد تومان در سال بر منابع زیستی و زیرساخت های کشور خسارت وارد می کرد.

همچنین در حال حاضر جنگل های دست کاشت مناطق بیابانی حدود ۱۳۰۰ هکتار وسعت دارند و همچون حلقه های سبزی، روستاهای مناطق کویری را در بر گرفته اند. اگر این حلقه های سبز نبود و هجوم ماسه های روان، بسیاری از روستاها را متروکه کرده و روستائیان را به مهاجرت به شهر مجبور می کرد.

در سازمان چه برنامه هایی برای آینده در نظر گرفته شده است؟

یک از مهم ترین برنامه های آتی دفتر امور بیابان، یافتن جایگزینی مناسب برای مالچ نفتی است که از اهمیت بسزایی نیز برخوردار است. در مورد مالچ چندین ابهام وجود دارد؛ اولاً اینکه آیا در طی ۵۰-۴۰ سال اخیر هیچ جایگزینی نمی تواند برای مالچ نفتی یافت؟! آیا سریع تر و اثربخش تر از آن وجود ندارد؟! کم هزینه تر از مالچ آیا در دسترس نیست؟! یافتن جایگزین و پاسخ به این ابهامات از اهم کارهای دفتر امور بیابان است.

در آخر بنظر شما چگونه می توان اقدامات مقابله با بیابان زایی را به صورت پایدار انجام داد؟

اولین اولویت کنوانسیون مقابله با بیابان زایی، ارتقاء آگاهی های عمومی و پشتیبانی از مشارکت است. فلذا اگر بخواهیم اقدامی را به صورت پایدار در حوزه مدیریت سرزمین انجام دهیم، حتماً بایستی با مشارکت مردم صورت پذیرد در کنار توجه به معیشت مردم و اهمیت موضوع رفع فقر. همیشه بین مسئله فقر و بیابان زایی ارتباطی مستقیم وجود دارد و در واقع فقر عاملی است که باعث بهره گیری ناپایدار از عرصه های منابع طبیعی شده و منجر به تخریب محیط زیست و منابع طبیعی خواهد شد.